

## نقد و بررسی کتاب

### «شاعران بی دیوان» و پیشنهاد تألیف تکمله‌ای بر آن

\* موسی پرنیان

\*\* سهیل یاری گل‌دره

#### چکیده

کتاب شاعران بی دیوان که در بردارنده مجموعه‌ای از اشعار پراکنده شاعران فارسی گوی بی دیوان در سده‌های سوم و چهارم و پنجم است، اگر نه نخستین کار، لکن از بهترین و جامع‌ترین آثار در این زمینه پژوهشی است. امروزه، پس از گذشت چند دهه از تألیف کتاب مزبور و با شناخته شدن منابع مختلفی از نوع سفینه‌ها و جُنگ‌ها، و با تصحیح انتقادی دیگر منابع مورد استفاده در کتاب، لزوم بازنگری جدی در این کتاب هست، تا مؤلف، اغلاط و کاستی‌ها و سهوالقلم‌های خویش را مرتفع کند، اشعار تازه دیگر و ضبط‌های جدید و دقیق‌تر را بر کتاب بیفزاید، و اغلاط مطبعی کتاب را بپیراید. نویسندگان این مقاله، ضمن باز نمودن شماری از این کاستی‌ها، برخی از اشعار نویافته شاعران قدیم بی دیوان فارسی گوی را هم به یاری بعضی نسخ خطی و چاپی بیان کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** شاعران بی دیوان، ضبط‌های متفاوت، اشعار نویافته، تکمله‌ها

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۴

\* استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه / DR.mparnian@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) / Soheil.yari6@gmail.com

## مقدمه

در عرصه شعر، همواره ستاره‌های درخشانی در آسمان ایران زمین درخشیده‌اند، اما از بد حادثه در طول روزگار، دیوان بسیاری از آن شاعران یا بخش عمده‌ای از اشعار آن‌ها از میان رفته است. گاهی در کتب متقدمین به هنگام معرفی شاعری، به وجود دیوان او اشاره، و از سروده‌های وی ستایش شده است. مع ذلک، بسیاری از چنان دیوان‌هایی از بین رفته است یا شاید ما فعلاً از وجود آن‌ها بی‌خبریم. کم نیست نمونه‌هایی از اقوال گذشتگان درباره دیوان و کثرت سروده‌های شعرای متقدمی که امروز جز اندکی از اشعارشان باقی نمانده است: دیوان اشعار رودکی<sup>۱</sup> (عوفی، ۱۳۸۵: ۳۸۹/۱)، کسایی مروزی (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۳۱)، مُنجیک (که ناصر خسرو در سفرنامه به آن اشاره کرده است)، و یا اشعار فارسی بهرام گور (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۸۸/۱) و یا از میان رفتن دیوان فارسی و عربی عطاء بن یعقوب (حموی، ۱۴۱۴: ۱۶۲۳/۴) و دیوان فارسی ابوالفتح بُستی (عوفی، ۱۳۸۲: ۱۰۸/۱) و ده‌ها شاعر دیگر.

با این اوصاف، گردآوری اشعار شاعران پیشین پارسی‌گو از منابع متعدد چاپی و خطی بایسته می‌نمود. خوشبختانه به همت دکتر محمود مدبری این مهم محقق گشت؛ گرچه پیش از ایشان کارهایی در همین باره صورت گرفته بود، همچون کتاب اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی زبان از ژیلبر لازار. اما گرچه بنا بر «الفضل للمتقدم»، کار لازار ستودنی است، اما از آنجا که گفته‌اند «التقدم للفضل» کار دکتر مدبری جامع‌تر و متبّعانه‌تر از کارهای پیش از خود است.

مؤلف کتاب شاعران بی‌دیوان، کار لازار و کارهای دیگر را که در همین باره انجام یافته می‌ستاید و تصریح می‌کند که از آن‌ها بسیار سود برده است؛ لکن به یاری همان منابع و استقصا و تتبع بیشتر، به اشعار فروان دیگری دست یافته‌اند و چنین اثر نفیسی را به جامعه ادب‌دوست ایران پیشکش کرده‌اند. کتاب مذکور در بردارنده اشعار شاعران بی‌دیوان سه سده سوم و چهارم و پنجم است.<sup>۲</sup>

۱. اسدی طوسی در قصیده‌ای که در تفضیل عجم بر عرب سروده چنین گفته است:

شاعر چو گزین رودکی آن کش بود ابیات

بیش از صد و هشتاد هزار از در دیوان  
(مینوی، ۱۳۵۴: ۱۳۸)

۲. در همین جا باید گفت که جای کتاب بایسته دیگر به سبک و سیاق کتاب شاعران بی‌دیوان درباره شاعران سده ششم به بعد خالی است که قطعاً در صورت انجام، کار ارزشمندی خواهد بود.

نگارندگان این سطور ضمن ارائه ملاحظات انتقادی خود بر کتاب شاعران بی‌دیوان، برخی از اشعار نویافته دیگری را که در کتاب دیده نمی‌شود نیز آورده‌اند، باشد که در چاپ‌های دیگر کتاب، مؤلف در صورت صلاح‌دید این دسته اشعار را در کتاب وارد کنند. اینک ملاحظات انتقادی نویسندگان این سطور درباره کتاب شاعران بی‌دیوان:

- از آنجایی که پس از تألیف کتاب شاعران بی‌دیوان تعدادی از فرهنگ‌ها و کتاب‌های مورد استفاده مؤلف، تصحیح انتقادی شدند، لازم می‌نماید که در ویراست تازه کتاب از آن تصحیح‌های انتقادی استفاده شود، چرا که در ویرایش‌های جدید، گاه اشعار تازه یا ضبط‌های موجه‌تری دیده می‌شود و یا گوینده پاره‌ای از اشعار کسان دیگری معرفی شده‌اند.

#### - ص الف:

سخن از برزنامه منظوم عطای رازی به میان است. امروزه تقریباً مسلم شده است که این منظومه از عطاء بن یعقوب (سده پنجم) نیست و متعلق به کسی است که در سده‌های پس از وی زیسته است. شاید تخلص نام «عطایی» در این اثر موجب شده که برخی آن را از همان عطاء بن یعقوب - که از دوستان مسعود سعد سلمان بوده است - بدانند (نک: کوسج، ۱۳۸۷: ۳۱ به بعد [مقدمه مصحح]).

#### - ص ب:

از رباعیات منسوب به خواجه عبدالله انصاری (به عنوان سروده‌های سده پنجم) سخن می‌رود، اما بنا به تحقیق برخی پژوهشگران، این دسته اشعار جملگی منحول است. استاد شفیعی کدکنی درباره آثار خواجه عبدالله انصاری چنین نوشته‌اند: «آثار فارسی انصاری، همگی منحول است تا چه برسد به شعرهای فارسی او. تنها بازمانده چند مناجات به لهجه هروی و متن طبقات الصوفیه را می‌توان جزء آثار انصاری به فارسی دانست، بقیه رسائل او که بارها به نام وی چاپ شده غالباً از آثار قرن هشتم و نهم است و کوچک‌ترین ارتباطی با زبان قرن پنجم ندارد» (محمدبن منور، ۱۳۸۶: ۱ / صد و شش). استاد در جای دیگر چنین نوشته‌اند: «متأسفانه آنچه به نام نثر خواجه عبدالله انصاری و به ویژه مناجات‌های او موجود است همگی منحول است و هیچ ارتباطی با گفتار او ندارد. محققان معاصر غالباً انتساب این آثار به انصاری را امری مسلم تلقی کرده‌اند.. اما اسناد نسخه‌شناسی و بعضی ویژگی‌های فنی و زبانی خود گواه عدم صحت این انتساب است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۷۳)

## - ص ۳۵:

خُنُک این آفتاب و زُهره و ماه  
همه بر یک نهادِ خویش دوند  
راست گویی ستارگان مَلِکَنَد  
دوستانند پیش رو بـاروی  
بر فلک بر دو شخصِ پیشه‌ورند  
این ندوزد مگر کلاهِ مُلُوک  
که نباشند جاودانه تباه  
که نگردند هرگز از یک راه  
چشمه آفتاب شاهنشاه..  
یک به دیگر همی کنند نگاه  
این یکی درزی، آن دگر جولاه  
و آن نبالد مگر پلاسِ سیاه

مؤلف کتاب، این ابیات را به نقل از کتاب اشعار پراکنده لازار آورده، لازار نیز آن‌ها را از رسائل عربی اخوان الصفا نقل کرده است. اما باید گفت که در رسائل اخوان الصفا مطلقاً نامی از شاعر برده نشده و تنها آمده است که «و قیل أيضاً» (رسائل اخوان الصفا، ۱۴۱۲: ۱۳۹/۱). مؤلف کتاب، دو بیت پایانی سروده مذکور را به نقل از دو منبع متأخر؛ یعنی آتشکده آذر و مجمع الفصحای هدایت، نقل کرده است. می‌افزاییم که این دو بیت در دو منبع بسی کهن‌تر، یعنی اسرار التوحید و ترجمه احیاء العلوم غزالی، آمده و بدین گونه ضبط شده است:

بر فلک بر دو مرد پیشه‌ورند  
این ندوزد مگر قبایِ مُلُوک  
زان یکی درزی و دگر جولاه  
و آن نبالد مگر گلیم سیاه  
(محمد بن منور، ۱۳۸۶: ۱۸۵/۱؛ خوارزمی، ۲۳۰/۱)

## - ص ۵۳:

این بیت مشهور رودکی را - همان‌گونه که عوفی نیز در لباب الألباب متذکر شده است - در رثای مرادی (ابوالحسن محمد بن محمد مرادی از شعرای نیمه نخست سده چهارم هجری) دانسته‌اند:

مُرد مرادی نه همانا که مُرد  
مُردن این خواجه نه کاری ست خُرد

اما استاد فروزانفر با دلایل موجه و مستندی بر این باور بوده‌اند که این سروده نمی‌تواند در رثای این مرادی باشد، زیرا بنا بر نقل ثعالبی در یتیمه الدهر، و کتاب‌های دیگر، این مرادی دست‌کم تا ۱۴ سال پس از رودکی زنده بوده است (نک: فروزانفر، ۱۳۵۸: ۲۳). در

همین صفحه مؤلف دچار اشتباه دیگری شده است. ایشان به نقل از استاد نفیسی چنین آورده‌اند: «ثعالبی در یتیمۃ الدَّهر نیز از وی یاد می‌کند که در شعر عربی نیز دستی قوی داشته. از شعر عربی او کمال اسماعیل، شاعر بزرگ قرن هفتم، تضمینی کرده و گوید:

درین معنی که افتادست ما را دو بیت آمد به خاطر از مرادی  
و إخوانٌ حَسِبْتُهُمْ دُرُوعاً فَكَانُوا و لَكِن لِّالأَعْدَاءِ  
و حَسِبْتُهُمْ سِهَاماً صَانِبَاتٍ فَكَانُوا و لَكِن فِى فُؤَادِی»

اما مصحح دیوان کمال اصفهانی (روانشاد بحرالعلومی) در تصحیح این اشتباه که از مرحوم نفیسی نشئت گرفته چنین نوشته‌اند: «ظاهراً این اشتباه از اینجا ناشی شده که در نسخه‌ای که در دست استاد فقیه بوده است «از مرادی» ضبط شده؛ اما در نسخه‌های کهن و متعددی که در دست است این کلمه «در مرادی» است. به علاوه در معاهد التَّنصیص (۶۱/۲) این دو بیت با ابیات بعد از آن به علی بن فضاله یا شاعر مشهور، ابن الرُّومی نسبت داده شده است. ابیات مذکور در دیوان منسوب به حضرت علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> نیز موجود و به شکل زیر است:

و إخوانٌ حَسِبْتُهُمْ دُرُوعاً فَكَانُوا و لَكِن لِّالأَعْدَاءِ  
و خَلَّتْهُمْ سِهَاماً صَانِبَاتٍ فَكَانُوا هَا و لَكِن فِى فُؤَادِی  
و قالوا قد صَفَّتْ مِنَّا قُلُوبٌ لَقَدْ صَدَّقُوا و لَكِن مِن وِدَادِی<sup>۱</sup>

و سیدحسن غزنوی این ابیات را ترجمه کرده است:

دوستان را من زره پنداشتم، بودند هم  
راست خواهی تیرشان پنداشتم در راستی  
گفت هر کس که: نکوعهدان دلی دارند پاک  
لیک بهر دشمنانِ جاهل بی‌دین من  
همچنان بودند لیکن در دلِ غمگین من  
پاک بود آری و لیکن از مهر نی از کین من»  
(اصفهانی، ۱۳۴۸: هفتاد و دو و هفتاد و سه)

۱. در تتمیم سخن استاد بحرالعلومی شایسته بیان است که بر اساس منابع ذیل، این ابیات از «ابوالحسن علی بن فضال نحوی» (متوفای ۴۷۹) است (نک: حموی، ۱۴۱۱: ۲۰۳/۴؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۷۱/۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۳۲/۲۷۲).

- ص ۶۳:

پنج بیت به نقل از لباب الألباب و مجمع الفصحاء به نام «ابواسحاق جویباری» آمده است. می‌افزاییم که دو بیت زیر در تحفة الملوك اصفهانی (سده هفتم) هم به نام «اسحاق جویباری» آمده است:

زمانه پند پیاده آزادوار داد مرا      زمانه چونک نکو بنگری همه پند است  
 زمانه گفت مرا رو، زبان دار نگاه      کرا زبان نه به بند است پای در بند است<sup>۱</sup>  
 (اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۵)

- ص ۷۴:

ز بس گل که در باغ مأوی گرفت      چمن رنگ ارتنگ مانی گرفت...  
 سروده فوق به نقل از منابع متأخری چون مجمع الفصحاء و تاریخ زبان و ادبیات ایران اثر عباس مهرین به نام «رابعة بنت کعب» آمده است. این سروده را برخی منابع به رودکی نیز نسبت داده‌اند و این نکته را صاحب مجمع الفصحاء هنگام نقل آن متذکر شده است. این سروده در کتاب شاعران بی‌دیوان هفت بیت دارد و در مجمع (۲/۸۲۱) پنج بیت از آن آمده است و البته که شاید ابیاتی از آن از میان رفته باشد. این سروده بدون تصریح به نام سراینده در چند منبع معتبر و کهن آمده است که آقای مدبری از آن‌ها بهره‌ای نبرده است. آن منابع کهن عبارتند از: تاج المآثر نظامی، برگ پ ۵۱؛ جنگ گنج‌بخش، برگ ۲۰ پ (با عبارت «لِوَاحِدٍ»); جنگ یحیی توفیق، برگ ۳۰ (با عنوان «لِوَاحِدٍ مِنَ الشُّعْرَاء»). ناگفته نماند در منابع مذکور اختلافی در ترتیب ابیات و ضبط اشعار هست که می‌بایست به آن اعتنا کرد.

- ص ۸۷:

تا بدانجا رسید دانش من      که بدانم همی که نادانم  
 (ابوشکور بلخی)

این بیت در الأقطاب القطیبة، نسخه مورخ ۶۶۶ هجری متعلق به کتابخانه مجلس، برگ ۹۴ بدون ذکر نام گوینده و با عنوان «لِلَّهِ حَكِيمُ الشُّعْرَاءِ حَيْثُ يَقُولُ» به صورت ذیل آمده است:  
 تا بجای [ی] رسید دانش من      که بدانستم که نادانم

۱. این دو بیت به رودکی نیز منسوب شده است (نک: رودکی، ۱۳۸۷: ۱۹).

### - ص ۹۱:

در کتاب مهم و قدیمی ارشاد قلانسی (از علمای قرن پنجم و ششم) - که زمان نگارش کتاب شاعران بی‌دیوان هنوز به طبع نرسیده بود - اشعاری به تصریح از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی (و رودکی و...) نقل شده است که در منابع پیشین یافت نمی‌شود. پس، اشعار آفرین‌نامه موجود در این کتاب غنیمت است و نویافته. برای نمونه سه بیت از آفرین‌نامه را نقل می‌کنیم:

اگر تو بیاموزی ای پور باب      به اندازه برتر شوی ز آفتاب  
و گر همچنین دل بماندت کور      بس افزونی‌ای ناآوری بر ستور  
ز دانش چه چاره بود ای پسر      به دانش جدایی تو از گاو و خر  
(بختیار و رضایی، ۱۳۸۷: ۸)

### - ص ۱۵۰:

اشعاری از «ابوذر بوزجانی» - از صوفیان سده چهارم - نقل شده است. طبق تحقیقات ارزنده استاد شفیع کدکنی، غزلی دیگر از این شاعر صوفی یافت شده است که ذیلاً آورده می‌شود:

هر کوز پی کام و هوا رفت زیان کرد      مسکین تن بیچاره اسیر گنهان کرد  
بسیار تهی کرد هوی صومعه‌ها را      بس زاهد و عابد را خدام بُتان کرد  
بس چیره‌زبان را به مناجات سحرگاه      کاین شوخ‌هوی خشک‌لب و بسته‌دهان کرد  
بس کس که وی امید همی داشت به فردا      مرگ آمد و ناگاه وُرا قصد به جان کرد  
می‌گفت به هر وقت: بُود توبه گُنم من      آمد اَجَل و مهل ندادش که چنان کرد  
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۸: ۳۹)

### - ص ۲۱۵:

از معنوی بخارایی (شاعری در اواخر قرن چهارم هجری) ظاهراً تنها پنج بیت بر جای مانده است. در کتاب شاعران بی‌دیوان چهار بیت آورده شده است (دو قطعه شعر، هر کدام دو بیت). یکی از آن دو قطعه حکیمانه چنین است:

هرچه آن بر تن تو زهر بود      بر تن مردمان مدار تو نوش  
ندهی داد، داد کس مسستان      انگبین خر مباحش و زهر فروش

خوشبختانه در کتاب المجالس و المواعظ استاجی (سده هفتم) یک بیت دیگر نیز در میان این دو بیت آمده که چنین است:

بـر زبـان آن گـذار مـردم را      کـه تـوانی گـذاشتن در گـوش  
(استاجی، ۱۳۹۰: ۵۳)

#### - ص ۲۱۶:

از صفحه ۲۱۶ تا ۲۵۱ به زندگی و اشعار منجیک ترمذی اختصاص یافته، و در مجموع ۳۲۶ بیت به نام او ثبت شده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر مجدداً اشعار پراکنده منجیک به همت احسان شورابی مقدم گردآوری، و با عنوان دیوان منجیک ترمذی (اشعار پراکنده) از سوی مرکز میراث مکتوب نشر شده است (۱۳۹۱: چاپ اول). در این کتاب اشعار گردآوری شده به بیش از ۴۰۰ بیت می‌رسد و به سه بخش شامل ابیات پیوسته، ابیات پراکنده مرتبط و ابیات پراکنده تفکیک شده است.

#### - ص ۲۹۸:

در این صفحه یک بیت به نام «روحانی» آورده شده است. مؤلف کتاب متذکر شده‌اند که ما دو «روحانی» دیگر هم داشته‌ایم، یکی «روحانی سمرقندی» در دوره خوارزمشاهیان و یکی «اصیل‌الدین روحانی» از شعرای عصر سلجوقی. در اینجا طرح این نکته خالی از فایده‌ای نیست که در برخی سفینه‌های معتبر از شاعری به نام «روحانی غزنوی» نام برده شده است؛ آیا ممکن است که «روحانی» مذکور در کتاب شاعران بی‌دیوان همان «روحانی غزنوی» باشد؟ یا شاید هم از هم‌عصران او باشد. در اینجا عین بخشی از سروده «روحانی غزنوی» از سفینه شماره ۶۵۱ کتابخانه مجلس (صفحه ۱۸۱) آورده می‌شود<sup>۱</sup>:

۱. این سفینه اگرچه در قرن دوازدهم کتابت شده، اما چنان‌که گفته‌اند احتمالاً از روی یک جنگ کهن - از قرن هشتم - استنساخ شده است (ضیاء، ۱۳۹۱: ۲۹۷).





در مجمع الرباعیات، (ابوحنیفه عبدالله ابن ابی‌بکر، ۱۳۸۹: ۴۰) یک رباعی به نام «روحی غزنوی» دیده می‌شود؛ اما نمی‌دانیم که آیا این شخص همان «روحانی غزنوی» است یا نه.

- ص ۳۴۱

از آن چندان نَعیم این جهانی که ماند از آل ساسان و آل سامان  
ثنای رودکی ماندست و مدحت نوای باربید ماندست و دستان

این دو بیت مخلدی گرگانی (از شعرای اواخر سده پنجم و آغاز سده ششم) در تاج‌المآثر نظامی برگ ۴۱ پ بدون نام گوینده آمده است.

- ص ۳۵۷

غَرّه مشو بدانکه جهانست عزیز کرد ای بس عزیز را که جهان کرد زود خوار  
ثنای رودکی ماندست و مدحت نوای باربید ماندست و دستان  
مار است این جهان و جهانجوی مارگیر وز مارگیر مار برآرد شبی دمار  
(عُماره مَروزی)

بیت دوم به نام رودکی نیز ثبت شده است (نک: رودکی، ۱۳۸۷: ۳۴)

-ص ۳۷۲:

صفحات ۳۶۶-۳۷۶ به اشعار بر جای مانده از بُنداری رازی (از شعرای شیعی مذهب اواخر سده چهارم و اوایل قرن پنجم) اختصاص دارد. به یاری منابع معتبر خطی و چاپی دیگری که مؤلف از آن‌ها بهره نبرده است، می‌توان صورت ضبط‌های دیگری برای برخی از اشعار بُندار پیشنهاد داد. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

با بَط می‌گفت ماهی‌ای در تب و تاب      باشد که به جویِ رفته باز آید آب  
بَط گفت: چو من قدید گشتم تو کتاب      دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب!  
(مدبری، ۱۳۷۰: ۳۶۹)

دو بیت مذکور، در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر<sup>۱</sup> (۱۳۸۱: ۶۴/۲) نیز آمده است.<sup>۲</sup>  
از مرگ حَذر کردن دو روز روا نیست      روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست  
روزی که قضا باشد کوشش نکند سود      روزی که قضا نیست در او مرگ روا نیست  
(مدبری، ۱۳۷۰: ۳۷۰-۳۶۹)

گویا کهن‌ترین جایی که در آن به این سروده اشاره شده است کلیله و دمنه نصرالله مُنشی (نیمه نخست سده ششم) باشد، اما مؤلف کتاب شاعران بی‌دیوان به این منبع عنایتی نداشته است. بیت نخست به این صورت در کلیله و دمنه آمده است:  
از مرگ حذر کردن دو وقت روا نیست:      روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست  
(مُنشی: ۱۳۸۳: ۱۱۳)

در تاریخ جهانگشا (جونی، ۱۳۸۵: ۱۳۷/۳) نیز دو بیت بالا - با اختلافاتی در ضبط - بدون نام گوینده یافت می‌شود.

ای می به گل پیامه که روح رطل جامه      رطل من کجایه ساقی، مه کنامه..  
هرچند راست کت آن کش کت گری خرابه      چه رو چنین حدیثه چه چان چنین کلامه  
(مدبری، ۱۳۷۰: ۳۷۲)

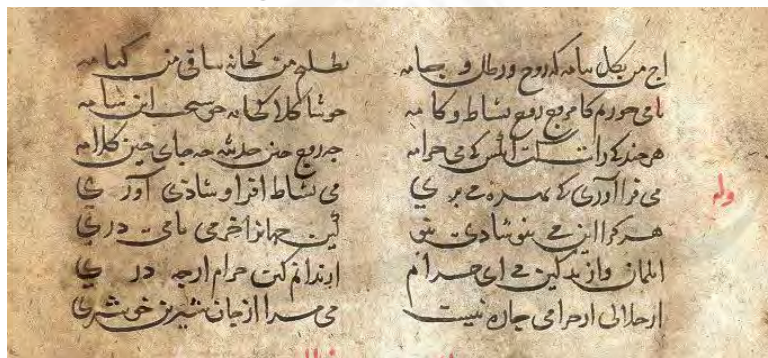
۱. درباره مشخصات این بیاض چنین نوشته‌اند: «در سال ۷۸۲ هجری قمری، تاج‌الدین احمد وزیر که هویتش برای ما نامعلوم است، از دانشمندان زمان خود خواست که برای او یادداشت‌هایی به خط و سلیقه خود به یادگار بنویسند. هفتاد تن دعوت او را اجابت گفتند و در موضوعات مختلف به نظم و نثر و به فارسی و عربی در بیاض تاج‌الدین یادداشت‌هایی قلمی کردند...» (میرافضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

۲. مصراع پایانی رباعی مذکور در تاریخ جهانگشا «عالم پس مرگ..» است (جونی، ۱۳۸۵: ۲۰۰/۲).

و:

می‌فرا آور که بهره می‌بری می‌نشاط افزا و شادی آوری..  
(همان، ۳۷۳)

در جُنگ گنج‌بخش (برگ ۴۹پ) هر دو سروده بالا با اختلافاتی در ضبط ابیات آمده است. از آنجا که جُنگ گنج‌بخش چند سده‌ای از منابعی چون هفت اقلیم و مجمع الفصحا پیشتر است باید مورد توجه قرار بگیرد. در اینجا چون نویسندگان در خواندن صحیح ضبط‌های نسخه تردید دارند، عین صفحه مذکور از جُنگ گنج‌بخش آورده می‌شود:



- ص ۳۹۶:

دکتر مدبری، به نقل از دُمیة القصر باخرزی (متوفای ۴۶۷) از شاعری پارسی‌گو به نام «ابونصر جوسوری» نام برده‌اند و دو بیت از وی را که از طریق باخرزی به دست ما رسیده است، نقل کرده‌اند. مع ذلك، در دُمیة القصر، چاپ محمد اَلتُونجی، نام این شاعر به شکل «جرسوری» آمده است؛ در نسخه بدل دکتر مدبری «جوهری» نیز ثبت شده، اما خبری از «جوسوری» نیست (باخرزی، ۱۴۱۴: ۹۶۰/۲). شاید ایشان نیز «جرسوری» نوشته‌اند و «جوسوری» غلط مطبعی است.

- ص ۳۹۹:

در این بخش پاره‌ای از اشعار منسوب به فردوسی آورده شده است. مؤلف یادآور شده است که: «به تحقیق، اکثر این اشعار از او نیست و بعدها به وی منسوب کرده‌اند» (ص ۳۹۹). راقمان این سطور ابیاتی در سفینه‌ها و جُنگ‌های کهن درباره بخشی از این

ابیات منسوب به فردوسی یافته‌اند که در اینجا آورده می‌شود:

دو بیت ذیل که در منابع نسبتاً متقدم به نام فردوسی آمده، در کتاب شاعران بی‌دیوان یافت نمی‌شود:

اگر بد کُنی کیفرش خود ببری      نه چشم زمانه به خواب اندرست  
بر ایوان‌ها نقش بیژن هنوز      به زندان افراسیاب اندرست  
(جنگ ۹۰۰ مجلس، برگ ۵۰)

این دو بیت در دستور الوزارة (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۴۱) و تاج‌المآثر نظامی (برگ ۵۴ پ) - بدون نام گوینده - آمده است.

قصیده‌ای در جنگ عبدالکریم مداح (مورخ ۸۴۹) به نام فردوسی آمده است، که در اینجا چند بیت از آن نقل می‌شود:

ای دل ار داری هوای جنت المأوی بیا      در حریم کبریا بی‌کینه و کبر و ریا  
گر بقای جاودان خواهی ره عقبی گزین      و سرای خلد خواهی بگذر از دار البقا  
نعمت اسلام انعامی ست خاص از بهر عام      خوان دین گسترده و در داده مردم را صلا  
جهد کن تا ناسزا هرگز نجویی با کسان      و بگویی ناسزا یابی سزاروز جزا  
عامل دین کی شوی؟ آنگه که با علم و عمل      سنت احمد به جای آری و فرض کبریا...  
(عبدالکریم مداح، ۱۳۹۰: ۵۵-۶۰)

حکیم گفت کسی را که بخت والا نیست      به هیچگونه مر او را زمانه جویا نیست..  
شدم به دریا غوطه زدم ندیدم در      گناه بخت من است این گناه دریا نیست  
(مدبری، ۱۳۷۰: ۴۰۰)

این قطعه که چهار بیت است و ما تنها بیت نخست و پایانی آن را آوردیم، در جنگ ۹۰۰ مجلس (برگ ۵۰) نیز به نام فردوسی - با اندکی اختلاف - آمده است (در باره صحت انساب این قصیده به فردوسی نک: بشری، ۱۳۸۷: ۴۹-۶۸).

مصراع مشهور «مانند خدنگ گیو در جنگ پشنگ» را به نقل از مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری نقل کرده‌اند. اما این مصراع مشهور در جنگ ۹۰۰ مجلس (برگ ۲۶۵) چنین آمده است:

«عنصری و فرخی و عسجدی و فردوسی:

چون روی تو خورشید نباشد روشن  
هم‌رنگ رُخت گُل بُبود در گلشن  
مژگانست همی گذر کند بر جوشن  
مانند سنانِ گیو در جنگِ پِشن»

سروده دیگر:

اگر به دانش اندر زمانه لقمان وار  
سرای پرده عصمت بر آسمان زده‌ای  
وگر ز کتبِ فلاطون و ارسطاطاليس  
هر آنچه هست پسندیده، پاک، بسته‌ای  
اگر سپهد سیصد هزار شهر شوی  
وگر برهمن ششصد هزار بتکده‌ای  
به پیش ضربتِ مرگ این همه ندارد سود  
همی بیايد رفتن چنانکه آمده‌ای  
(مدبری، ۱۳۷۰: ۴۰۱)

مؤلف کتاب شاعران بی‌دیوان این چهار بیت را به نقل مجمع الفصحاح به نام فردوسی آورده است. باید افزود که در روضة الناظر کاشی<sup>۱</sup> (برگ ۹۹) و سفینه ۶۵۱ مجلس (صفحه ۳۰۹)، نیز به نام فردوسی آمده است.

شبی در بَرَت گر بیاسودمی  
سرِ فخر بر آسمان سودمی  
قلم در کف تیر بشکستی  
کلاه از سر ماه بر سودمی...  
(۴۰۲)

این سروده به همراه سه بیت دیگر به نقل از مجمع الفصحاح به نام فردوسی درج گشته است، اما همین ابیات به همراه بیت ذیل در دو منبع کهن و معتبر، یعنی روضة الناظر کاشی (برگ ۲۲۱ پ) و جنگ ۹۰۰ مجلس (برگ ۴۹)، به نام فردوسی آمده است:

به قدر از نُهَم چرخ بگذشتی  
پی فرق کیوان بفرسودمی  
البته این بیت پس از بیت نخست آمده است.

- ص ۴۰۳:

این بخش از کتاب به اشعار «بهرامی سرخسی» اختصاص دارد. در «مجموعه رسائلی

۱. این سفینه حاوی اشعاری از شعرای فارسی از همان قرن‌های پنج و شش به بعد است، و از حیث داشتن اشعار شاعران بی‌دیوان بسیار حائز اهمیت است. تاریخ تألیف آن قرن هشتم، اما نسخه حاضر مورخ قرن دهم است.

از سده هشتم» که به شماره Or.174 در کتابخانه لندن نگهداری می‌شود و مورّخ ۷۹۵ق، و شامل رسائلی در علم هیئت است، ابیاتی نوعاً تازه از شعرای فارسی موجود است، از جمله دو بیت که به صورت زیر به نام «بهرامی» ضبط شده است:

بسیار گشت باید گردون را      بر گرد این خرابی و عمرانی  
تا از عدم یکی به وجود آید      چون خواجه بو محمد عمرانی  
(فیروزبخش، ۱۳۹۰: ۴۲)

- ص ۴۵۸:

عصا برگرفتن نه معجز بود      همی ازدها کرد باید عصا  
این بیت غضائری در حدائق السّحر (وطواط، ۱۳۶۲: ۱۹) نیز به نام «غضائری» آمده، اما مؤلف بدان اشارتی نکرده است.

- ص ۴۶۹:

در اینجا ابیاتی به نام «ابن سینا» از منابع گوناگون و با توجّه به تحقیقات سعید نفیسی دیده می‌شود، اما ابیات دیگری نیز در منابع دیگر یافت می‌شود که در اینجا نیامده است. بخشی از آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

زان پیش که از جهان فرو مانی فرد      آن گن که نبایدت پشیمانی خورد  
امروز بکن چو می‌توانی کاری      فردا چه کنی چو صبح نتوانی کرد  
(روضه الناظر، برگ ۲۴۷)

ای قادر بی تحیر بی‌ثانی      ما را به عقوبت به چه می‌ترسانی  
چون نیست به دست هیچکس میدانی      در کار تو جز عجز [ی] و سرگردانی  
(جنگ ۹۰۰ مجلس، ص ۵۰۹)

بر پشت من از زمانه نو می‌آید      بر من همه کار نا نکو می‌آید  
جان عزم رحیل کرد، گفتم که برو      گفتا چه کنم خانه فرو می‌آید  
(اهری، ظهر نسخه مورّخ ۶۶۶)

در پرده سخن نیست که معلوم نشد      کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد

در معرفت چو نیک فکری کردم معلوم شد که هیچ معلوم نشد  
(بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۴۲۳: ج ۲/ ۱۴۴)

این رباعی در نزهة المجالس (شروانی، ۱۳۷۵: ۱۴۶) به نام «خیام» و با اندکی  
اختلاف در صفحه ۵۴۴ جُنگ ۹۰۰ مجلس، به نام «[خواجه] نصیرالدین طوسی» آمده  
است.

کودل که بداند نفسی اسرارش کو گوش که بشنود دمی گفتارش  
معشوق جمال می‌نماید شب و روز کو دیده که تا برخورد از دیدارش  
(بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۴۲۳: ج ۲/ ۱۴۵)

ناگه سَحَری خانه پردازم و رو وز دُرچ صدف در بدر اندازم و رو  
در دام پدر دست زخم عیسی وار جامه به کنار مادر اندازم و رو  
(جُنگ مهدوی، برگ ۵۱۰)

در مجموعه پاریس (سده نهم)، چند رباعی به ابوعلی سینا منسوب شده است که برای  
نمونه سه مورد آن در ذیل آورده می‌شود:

ای ناطق اگر به مرکز جسمانی حاصل نکنی معرفت یزدانی  
فردا که علاقه از میان برخیزد در ظلمت جهل جاودانی مانی  
(برگ ۴۳۳)

ای نفس که در بند هوا و هوسی بشتاب که در حمایت یک نفسی  
دنیا مطلب جاه مجو غره مباح کز دوست برآیی و به دشمن نرسی  
(برگ ۴۳۳)

جوهر می نه به عنصر که به خاصیت طبع عاقلان را ز زوال خرد آرد به طرب  
بسط امداد بخارات نسیم دموی حیوان را ز حیات است نه از ماء عنب  
(برگ ۸۴۶)

ابیات ذیل که از جُنگ ارزنده سعد الهی (نسخه مؤرخ سده دهم) نقل می‌شود در کتاب  
شاعران بی‌دیوان نیامده است:

در راه خدا دوست‌ترت چیست؟ فدا کن      آخر به همه عمر یکی دوست به دست آر  
مستی مکن از باده غفلت که نیرزد      صد حالت مستی به پریشانی هشیار  
(برگ ۲۴)

دعوت عقل آشکارا کن که عمری بعد از این  
عیش عقل آن گاه خوشتر در صفای وقت دل  
بگذر از بند مزاج و دور باش از بند حس  
از نشاط و خرمی بر آسمان گردن فراز  
چون بود کامل کسی در عالم گون و فساد؟  
در دهان ماهی تقدیر چون ذوالنون شود  
که انتهای دور جان با ابتدا مقرون شود  
هر که با دونان نشیند همچو ایشان دون شود  
کین سر ترکیب روزی در زمین مدفون شود  
کو نداند چون درآمد یا نداند چون شود  
(برگ ۲۳، بیت ۴ و ۲)

سروده بالا در مجموعه اشعار و مراسلات (برگ ۲۰۴) و جنگ ۹۰۰ مجلس  
(ص ۴۸۹) نیز به نام ابن سینا آمده است، ولی در کتاب شاعران بی دیوان تنها بیت‌های سوم و  
پنجم یافت می‌شود.

غناى روح بُود باده رحیق الحق      که رنگ او کند از دور رنگ گل رادق  
(ص ۴۷۰)

درباره این سروده منسوب به ابن سینا بیان چند نکته لازم است. پاره‌ای از ابیات همین  
شعر در جنگ یحیی توفیق (برگ ۴۱)، جنگ گنج‌بخش (برگ ۵۱) و روضة الناظر (برگ  
۲۴۱) نیز به نام ابن سینا ضبط شده که البته در کتاب شاعران بی دیوان بدان اشاره‌ای نشده  
است. مطلب مهم دیگر این‌که چهار بیت از این سروده با اندک اختلافی در دیوان انوری  
(۱۳۷۶: ۶۶۷/۲) هم دیده می‌شود! در تاریخ‌نامه هرات تعدادی از ابیات همین سروده به  
نام «پسر خطیب گنجه» آمده است (هروی، ۱۳۶۲: ق ۴۴۹).<sup>۱</sup>

۱. برای توضیحات بیشتر و اشعار نویافته دیگر ابن سینا رجوع شود به مقاله «اشعار نویافته ابن سینا»، کتاب ماه  
ادبیات، شماره ۸۲ (پیاپی ۱۹۶)، آبان‌ماه ۱۳۹۲، ص ۴۱-۴۴.



- ص ۵۳۶:

سَلَامٌ عَلٰی دَارِ اُمِّ الْكُوَاعِبِ      بَتَانَ سِیْهَ چشَمِ عَنبَرِ ذَوَائِبِ

بیت بالا مطلع قصیده مشهوری است. دکتر مدبری این قصیده را به نقل از «دیوان منوچهری پاریس و چاپ میرزا آقای کمره‌ای» به «برهانی نیشابوری» پدر معزی نسبت داده است.

قصیده مذکور در جُنگ شماره ۹۰۰ مجلس به نام کمال‌الدین سیمکشِ سمرقندی و مطلع قصیده مذکور در دیوان اَلْبَسَه به «سیدحسن ترمذی» (قاری یزدی، ۱۳۰۳: ۲۷) نسبت داده شده است. همچنین در سفینه ترمذ - متعلق به سده هشتم - به نام «ابوالمعالی نصرالله مُنشی» مشهور، مترجم کلیله و دمنه، آمده است (سُروری، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۲۴).

- ص ۵۴۶:

صفحه ۵۴۷ تا ۵۵۳ به سروده‌هایی از اسدی طوسی اختصاص یافته است. در دو جُنگ معتبر، دو سروده به نام «اسدی» دیده شد که در کتاب شاعران بی‌دیوان نیامده است، و محتمل است که منظور از «اسدی» همان «اسدی طوسی» باشد. عین آن بخش از دو جُنگی که دارای چند بیت از «اسدی» است در اینجا نقل می‌شود:

پیرِ رِعا خوش نباشد بر عروسِ نوبهار

پُر زره گشت‌ست چون زلفینِ یار آبِ زلال

بی [؟] رعونت شد چو کرد اکنون درو پیری اثر

زر فشان گشت‌ست چون دستِ سَخی شاخِ شجر

(جُنگ گنج‌بخش، برگ ۲۶ر)

چون رویِ تو هر که دل‌گشایی دارد      دردِ غمِ عشق را دوا یی دارد

گر در دل من هوای باغِ رخ‌توست      عیبش نکنم که خوش هوایی دارد

(سفینه ۶۵۱ مجلس، ص ۳۶۶)

از آنجایی که سه بیت دیگر اسدی موجود در جُنگ گنج‌بخش را نتوانستیم درست بخوانیم عین آن قسمت از جُنگ در این جا آورده می‌شود:



### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله گفته شد، لزوم ویرایش تازه‌ای از کتاب شاعران بی‌دیوان بایسته می‌نماید. در این بیست و چند سالی که از چاپ اول کتاب می‌گذرد، هم منابع مختلفی شناسایی و چاپ شده، هم برخی منابع مورد استفاده مؤلف از نو تصحیح انتقادی شده‌اند، که باید به هنگام تجدید نظر در ضبط سروده‌های بعضی از شاعران بی‌دیوان، به آن‌ها توجه کرد. همچنین به یاری سفینه‌ها و جنگ‌ها می‌توان اشعار دیگری از شاعران بی‌دیوان کشف و شناسایی کرد و به کتاب مذکور افزود.

### منابع

#### الف. چاپی:

- ابوحنیفه عبدالله ابن ابی‌بکر (۱۳۸۹). مجمع الرباعیات. به کوشش بهروز ایمانی، چاپ شده در: اوراق عتیق. به کوشش سیدمحمد حسین حکیم، دفتر اول، چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- استاجی، جمال‌الدین (۱۳۹۰). المجالس و الموعظ. تصحیح فرزاد مروّجی، چاپ شده در: متون ایرانی (مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی از دوره اسلامی تا عصر تیموری)، به کوشش جواد بشری، چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اصفهانی، محمود بن محمد بن الحسین (۱۳۶۴). دستور الوزارة. تصحیح استاد رضا انزابی نژاد، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- اصفهانی، علی بن ابی حفص (۱۳۸۲). تحفة الملوک. مصحح: علی اکبر احمدی دارانی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.

- انوری، محمد بن محمد (۱۳۷۶). دیوان. تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، چاپ اول، جلد دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- باخرزی، علی بن الحسن (۱۹۹۳/م/۱۴۱۴ق). دُمیة القَصْر و عُصرة أهل العصر. مصحح: محمد التونجی، ۳ج، الطبعة الأولى، بیروت: دار الجیل.
- بختیار، مظفر و حمید رضایی (۱۳۸۷). شعرهای کهن فارسی در ارشاد قلانسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۹، شماره ۲.
- بشری، جواد (۱۳۸۷). «گناه بخت من است این، گناه دریا نیست» (بررسی قطعه‌ای منسوب به فردوسی). نامه فرهنگستان، ش ۳۹، ص ۴۹-۶۸.
- تاج‌الدین وزیر، احمد بن محمد (۱۳۸۱). بیاض تاج‌الدین احمد وزیر. تصحیح علی زمانی علویجه، ۲ج، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- جُنگ عبدالکریم مداح (۱۳۹۰). به کوشش امینه محلاتی، چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جوینی، علاء‌الدین عطاءالملک (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشا. تصحیح محمد قزوینی، ۳جلد، چاپ چهارم، تهران: دنیای کتاب.
- حموی، یاقوت (۱۴۱۴). معجم الأدباء. تحقیق: احسان عباس، ۷ج، الطبعة الأولى، بیروت: دار الغرب الإسلامي.
- خوارزمی، مؤیدالدین محمد (۱۳۸۶). ترجمهٔ احیاء علوم الدین غزالی، مصحح: حسین خدیوچم، تهران: علمی فرهنگی.
- ذهبی (۱۴۰۷). تاریخ الإسلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، ۳۲ج، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العربی.
- رسائل اخوان الصفا (۱۴۱۲). ۴ج، الطبعة الأولى، بیروت: الدار الإسلامية.
- رودکی، جعفر بن محمد (۱۳۸۷). دیوان اشعار. به کوشش و تصحیح نصرالله امامی، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۲). ربیع الأبرار و نصوص الأخیار. تحقیق: عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبوعات، الطبعة الأولى.
- سروری، امید (۱۳۹۳). «قصیده‌ای از ابوالمعالی نصرالله مُنشی». مجله ادب فارسی، ش ۱۴، ص ۱۱۵-۱۲۴.
- شروانی، جمال خلیل (۱۳۷۵). نزهة المجالس. تصحیح و مقدمه و شرح حال گویندگان و فهرست‌ها از محمد امین ریاحی، چاپ اول، تهران: زوّار.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵). موسیقی شعر. چاپ نهم، تهران: آگاه.
- عطار نیشابوری (۱۳۸۸). منطق الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هفتم (ویرایش سوم)، تهران: سخن.
- عوفی، محمد (۱۳۸۵). لباب الألباب. به تصحیح ادوارد براون، با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: هرمس.
- ضیاء، محمدرضا (۱۳۹۱). متون ایرانی (دفتر سوم، با تکیه بر دیوان‌ها و اشعار فارسی، به کوشش جواد بشری). چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۵۸). سخن و سخنوران. چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- فیروزبخش، پژمان (۱۳۹۰). «یک فهلوی نویافته از گوینده‌ای به نام مرشد سیمینه و چند بیت نویافته از شعرای متقدم فارسی». مجله گزارش میراث، ش ۴۵، دوره دوم، سال پنجم.
- قاری یزدی، نظام‌الدین محمود (۱۳۰۳ق)، دیوان البسه، قسطنطنیه: مطبعة ابوالضیاء.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). النقص. تصحیح میرجلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- کوسج، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷)، برزنامه. مصحح: اکبر نحوی، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- محمد بن منور (۱۳۸۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ أبوسعید. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، ۲ ج، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- مدبری، محمود (۱۳۷۰). شاعران بی‌دیوان. چاپ اول، تهران: پانوس.
- مسعودی، علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: أسعد داغر، ۴ ج، قم: دار الهجرة، تاریخ النشر.
- منشی، نصرالله (۱۳۸۳). کليلة و دمنه. تصحیح مجتبی مینوی، چاپ بیست و سوم، تهران: امیرکبیر.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۸۲). رباعیات خیام در منابع کهن. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۴). فردوسی و شعر او. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲). حدائق السحر فی دقائق الشعر. تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری - سنایی.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۲). مجمع الفصحاء، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- هروی، سیف بن محمد (۱۳۶۲ق). تاریخ‌نامه هرات، به تصحیح محمد زبیر الصّدیقی، مطبعة بیست مشن کلکته.

ب. خطّی:

- اهری، عبدالقادر، الأقطاب القطیبة (البلغة فی الحکمة)، دستنویس شماره ۷۷۷ کتابخانه مجلس، مورّخ ۶۶۶ق.
- جُنْگ سعد الهی، دستنویس شماره ۱۴۴۳۲ کتابخانه مجلس (کتابت در قرن دهم).
- جُنْگ شماره ۶۵۱ کتابخانه مجلس، کتابت در قرن دوازدهم.
- جُنْگ شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس، کتابت در پایان قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم.
- جُنْگ گنج‌بخش، دستنویس شماره ۱۴۴۵۶، کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، سده هفتم، ۱۰۰ برگ.
- جُنْگ مهدوی، (مورخ ۷۵۳ قمری به بعد)، ۱۳۸۱، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه دکتر اصغر مهدوی، تهیه فهرست‌ها از مهدی قمی نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جُنْگ یحیی توفیق، مورخ ۷۴۵ق، شماره ۱۷۴۱، کتابخانه بزرگ سلیمانیه، استانبول.
- کاشی، عبدالعزیز، روضة الناظر و نزهة الخاطر، دستنویس شماره ۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق، ۳۰۴ برگ، شماره ۲۴۷ کتابخانه دانشگاه تهران.
- مجموعه اشعار و مراسلات، دستنویس شماره ۴۸۷ کتابخانه لالا اسماعیل، ۷۴۲-۷۴۱ق، ۲۸۳ برگ، فیلم شماره ۵۷۳ کتابخانه دانشگاه تهران.
- مجموعه شماره 3423 کتابخانه ملی پاریس، مورّخ قرن نهم، ۸۴۸ برگ.
- نظامی، محمدحسن، تاج المآثر (مورخ ۶۹۴)، شماره ۱۴۰۲ کتابخانه فیض‌الله افندی ترکیه، میکروفیلم آن تحت شماره ۱۶۹ در کتابخانه دانشگاه تهران.

